

## ستون اول

### منصور حکمت

پیش بینی عاقبت رفراندوم قانون اساسی و انتخابات دومای روسیه، البته اگر تعداد کافی مردم رغبت کنند پای صندوقها بروند، دشوار نیست. مجری برنامه و یک طرف اصلی در این انتخابات، بوریس یلتسین و طیف مدافعان "شوک درمانی" پیشنهادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، تازه از قتل عام مخالفین خویش در پارلمان فارغ شده اند. غرب، که از دید شهروند فقر زده و لگدمال شده روسی بازیکر اصلی ای است که میتواند هم بانی ثبات اقتصادی و بازگشت زندگی عادی باشد و هم آتش جنگ داخلی در روسیه را شعله ور کند، بی هیچ شبهه ای اعلام کرده است که تنها به یک کاسه شدن قدرت جریان یلتسین – گایداری رضایت میدهد و هیچ انتخاب دیگری را به عنوان بلیط ورودی به دنیای تمدن و دموکراسی از مردم روسیه قبول نمیکند. توده مردم نه دیوانه اند و نه ابله. لوله اسلحه ای که بر شقیقه یک ملت گذاشته شده است را حس میکنند. آنها بیشک تشریفات "اولین انتخابات دموکراتیک روسیه پس از سقوط کمونیسم" را آنطور که برعهده شان گذاشته شده بجا خواهند آورد.

مشکل مخالفین یلتسین ممنوعیت فعالیت تبلیغی و نابرابری در استفاده از امکانات تلویزیونی نیست، بلکه اینست که کودتای خونین یلتسین و هلله غرب از پیش بهای انتخاب "غلط" را به مردم روسیه خاطر نشان کرده است. در غیاب یک آلترناتیو سیاسی و اقتصادی کارگری و پیشرو، انتخاب مردم روسیه مانند هر انتخاباتی در دنیای دموکراسی امروز، انتخابی از سر ترس و یاس و ناچاری خواهد بود.

ترکیب جناحهای اصلی مخالف جای دریغی باقی نمیگذارد. احیای عظمت روسیه (بقول ناسیونالیستها) یا احیای اتحاد شوروی (بقول احزاب وارث حزب کمونیست اتحاد شوروی)، وجه مشترکی است که ائتلاف موسوم به "ناسیونال – کمونیستها" را در برابر دموکراتها (جناح یلتسین) شکل داده

است. اما این ائتلاف رونوشت رنگ پریده همان ترکیب ناسیونال رفرمیستی است که با عروج استالین در انتهای دهه بیست انقلاب کارگری را به شکست کشاند و اتحاد شوروی و بلوک شرق را بنا کرد. تفاوت اینجاست که با شکست مدل شوروی ائتلاف حاضر دیگر حتی افق اقتصادی متمایزی ندارد. در روسیه امروز همه از "رفرم" (یعنی اقتصاد خصوصی و حاکمیت بازار) جانبداری میکنند. جنگ بر سر استراتژی های متفاوت و سهم بری اقشار مختلف طبقه حاکمه از این روند است. اگر یلتسین با حمایت بورژوازی بین المللی

به استقبال تشدید مبارزه طبقاتی در روسیه و تعیین تکلیف سریع با طبقه کارگر می‌رود، مخالفین وی در احزاب شبه سوسیالیست، ترتیب دادن یک سازش طبقاتی نوین را اینبار در خدمت سرمایه داری بازار توصیه میکنند، که در عین حال به همین اعتبار جایگاه آنان را در سلسله مراتب قدرت سیاسی و اقتصادی حفظ میکند.

اخطارهای یلتسین به ناتو و توفیقاتش در بازگرداندن جمهوری های فراری به آغوش کنفدراسیون دیر یا زود تزاریستها را از بلوک "ناسیونال – کمونیستی" جدا میکند و به سمت دموکراتها میکشاند. جدا کردن طبقه کارگر و مردم زحمتکش روسیه از همه اینها، اما، وظیفه کمونیسم کارگری است. علی‌رغم همه فشارهای اقتصادی و سرکوبهای سیاسی و علی‌رغم هیاهوی ضد کمونیستی دموکراتها در روسیه، بدلیل وجود کشمکش سیاسی حاد و آثار عمیق انقلاب کارگری اکتبر در خود آگاهی طبقه کارگر روسیه، این کشور یکی از مستعدترین عرصه های رشد جنبش کمونیسم کارگری است.